

حضرت خدیجه کبری (س)



موسسه جهانی سبطین (ع)


بسم الله الرحمن الرحیم

در وصف حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

نویسنده:

مؤسسه جهانی سبطین علیهما السلام

ناشر چاپی:

موسسه جهانی سبطین علیهماالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در وصف حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

مشخصات کتاب

نویسنده :واحد تحقیقات موسسه جهانی سبطین (ع)
ناشر : موسسه جهانی سبطین(ع)

مقدمه

خدیجه دختر خویلد از نیکوترین و عفیفترین زنان عرب قبل از اسلام و در دوره اسلامی نخستین زنی که به پیامبر اکرم (ص) ، شوهرش ، ایمان آورد و آن چه از مال دنیا در اختیار داشت - در راه پیشرفت اسلام - کریمانه بذل کرد.
خدیجه آن قدر ارزش الهی داشت که برای او مانند مریم مائده های آسمانی نازل می شد. رسول خدا (ص) می فرمایند:
خداوند از میان زنان چهار زن را برتری داده است. آسیه .مریم.خدیجه.فاطمه از عایشه ، زوجه پیامبر (ص) ، نقل شده است که گفت " : احترام هیچ یک از زنان به پایه حرمت و عزت خدیجه نمی رسید . رسول الله (ص) پیوسته از او به نیکی یاد می کرد و به حدی او را محترم می شمرد که گویا زنی مانند خدیجه نبوده است ."
عایشه سپس نقل می کند : روزی به پیغمبر (ص) گفتم : خدیجه پیر زنی بیش نبوده و خداوند بهتر از او را به تو عطا کرده است. پیغمبر(ص) سخت برآشفت به طوری که رگ پیشانی اش برآمد . سپس فرمود : به خدا سوگند بهتر از خدیجه کسی برای من نبود . روزی که همه مردم کافر و بت پرست بودند ، او به من ایمان آورد.روزی که همه مرا به جادوگری و دروغگویی نسبت می دادند ، او مرا تصدیق کرد ، روزی که همه از من روی می گردانیدند ، خدیجه تمام اموال خود را در اختیار من گذاشت و آنها را در راه من بی دریغ خرج
کرد خداوند از او دختری به من بخشید که مظهر پاکی و عفت و تقوا بود . عایشه می گوید : با خود گفتم دیگر از خدیجه به بدی نام نخواهم برد. عایشه می گوید:«من در مورد زنان پیامبر از هیچ کدام به اندازه خدیجه حساس نبودم زیرا پیامبر مرتب از او تعریف می کرد و من هرگز او را ندیده بودم..
در شجره ی طوبی آمده است:خدیجه علیها سلام زیباترین زنها از نظر جمال، کاملترین از نظر عقل، تمام ترین از نظر رأی وتصمیم گیری،وزیادترین از نظر عفت،دین،حیا، مرووت ومال بود.

پیامبر(ص) فرمود

« اسلام با شمشیر علی(ع)و مال خدیجه(س) بر پا و استوار شد واستقامت یافت.» اگر خدیجه نبود کدام زن شایستگی آن را داشت که مادر حضرت فاطمه علیها سلام باشد و اگر فاطمه نبود چه کسی شایستگی فرزندی خدیجه را داشت و اگر پیامبر(ص) نبود خدیجه وفاطمه چگونه می توانستند به مقام سروری زنان عالم نایل آیند.
درباره خدیجه همسر گرامی پیامبر اکرم ص ، اطلاعات زیادی گزارش نشده است و کاش فقط با کمبود اطلاعات روبه رو بودیم زیرا همان گزارشاتی هم که واصل شده دارای تناقصات فراوان و شگفت آور است و متأسفانه آن قسمتی که بر سر زبانها جریان دارد، زندگی واقعی آن بانوی بزرگوار را به نمایش نمی‌گذارد و این مقاله در پی آن است تا علاوه بر آنچه که بر افواه جاری است سیمای دیگری از خدیجه کبری عرضه کند. در سرزمین حجاز، مردی پا به عرصه زندگی گذاشت نام احمد (یا محمد (ص) را

برایش در نظر گرفتند و او همان کسی است که در چند دهه بعد، بشریت را با آئینی آسمانی آشنا کرد. و بارزترین نقطه عطف را در طومار دینداری رقم زد.

براستی چه ویژگی‌هایی در آن شخص موجب گزینش الهی وی شد؟ نگارنده مقاله در صدد پرداختن به این موضوع نیست ولی برای پرداختن به سیمای خدیجه طاهره ناگزیر از ذکر بعضی خصوصیات محمد (ص است آن حضرت مظهر و نماد پاکی و پاکیزگی بود. کسی بود که در جامعه منحط آن دیار، به عنوان یک فرد پسندیده و ستوده شهرت یافت و راستگو و راست کردار بود و در شهر نا آشنا با آب به پاکیزگی بسیار اهمیت می‌داد.

استحمام و مسواك زدن جزو برنامه مستمرش محسوب می‌شد. درد مردم و جامعه آزارش می‌داد و برای رفع آلام مردم اقدام عملی نیز می‌کرد و به همین دلیل در گروه معدود جوانمردان و آزادگان جای گرفت و همه از خود می‌پرسیدند چنان شخصی برای ازدواج چه برنامه‌ای خواهد داشت و معیارهای انسانی که صلاحیت ابلاغ وحی الهی را دارا خواهد شد، برای پیوند زناشوئی چیست گزیده گزیش شده الهی کیست و باید چه صفائی داشته باشد؟ آیا همانطور که خدا از میان آدمیان وی را به دلایل انسانی و صفاتی نیکو برگزید، او نیز از میان بانوان آن دیار، کسی را گزینش خواهد کرد که چنین باشد؟ مگر غیر از این احتمال دیگری متصور است

پس سیمای همسر محمد را باید از این منظر در کتب تاریخ جستجو کرد. آری خدیجه همان کسی است که در جامعه مکه به طاهره یعنی بانوی پاك مشهور شد. گر چه جامعه جاهلی آن زمان به تدریج با پاکی و پاگیزگی به مفهوم عام آشنا می‌شد، ولی قدر مسلم با پاکی بیگانه هم نبود و پاکان را می‌ستود و به همین دلیل خدیجه را، طاهره لقب داد و احمد را محمد. طاهره لقبی که نماد تمام نمای خوبی در آن زمان و آن دیار بود.

بنابر این حلقه اتصال محمد و خدیجه (طاهره را براحتی می‌توان از این رهگذر بدست آورد و از بسیاری از گزارشات نامعقول دوری جست گزارشاتی که در پی آنند تا خدیجه را دارای ثروت فراوان و بی حساب معرفی کنند و همان را، نقطه آغاز این آشنائی و ازدواج دانسته و نوشته‌اند.

خدیجه قبل ازدواج با حضرت محمد (ص دو بار دیگر ازدواج کرده و دارای چند فرزند نیز بوده و زمان ازدواج با محمد (ص ، ۴۰ سال و یا کمی بیشتر سن داشته است و نیز می‌گویند خدیجه بود که پیشنهاد ازدواج با محمد را مطرح کرد. اینکه معروف است خدیجه طاهره قبل از ازدواج با پیامبر (ص ۲ بار ازدواج کرده صرفاً یک گزارش تاریخی است که متضاد آن نیز گزارش شده و در چند کتاب تاریخی آمده «ان النبی (ص تزوج بها و کانت عذرا (پیامبر گرامی با خدیجه ازدواج کرد در حالیکه خدیجه دوشیزه و باکره بود) ولی مظلومیت مضاعف خدیجه در طول تاریخ به دست بعضی سیره نویسان کم دقت و راویان اولیه مغرض رقم خورده است

آنان دلیل ازدواج‌های قبلی وی را وجود فرزندانی از آن ازدواج‌ها می‌دانند در حالیکه کودکان مورد اشاره مورخان فرزندان خواهر خدیجه یا فرزندان شوهر خواهر خدیجه از زن دیگر بودند که علی الظاهر بعد از مرگ والدین آنها (یا هر دلیل دیگری و فقدان سرپرست آن بانوی نمونه فداکاری کرد، آنها را به نزد خود آورد و به همراه پیامبر گرامی (ص با تمام محبت از آنها نگهداری می‌کرد و به همین دلیل است که خدیجه علاوه بر صفت طاهره دارای لقبی دیگر یعنی «ام الایتام مادر یتیمان نیز هست و این لقب در رابطه با مادری کردن وی در حق آن کودکان است

البته این عنوان را مردم آن دوران به وی دادند

و بدیهی است که شخصیت طاهره خدیجه راضی به کاربرد کلمه ایتام و یتیمان نبوده باشند زیرا او فقط مادری کرده بدون هیچگونه

طعن و نیش حال آنکه در لقب مذکور، نوعی بی مهری مشاهده می‌شود.

بهر جهت این لقب را هر کس بـه خـدیجه داده باشـد نشـان از روحیه بلنـد و انسـانی خـدیجه دارد. حس نوعـدوستی فـداکاری و آزادگی همان ویژگیهایی که شوی او نیز در مرتبه بالاتر، دارای آن بود. متأسـفانه در گزارش بعضی راویان مغرض نه تنها با انتساب این فرزنـدان به خـدیجه ویژگی فـداکاری و انسانیت او نادیده گرفته شده بلکه همان فرزندان را یکی از دلایل ازدواج‌های قبلی وی قلمداد کرده‌اند.

هر چنـد کـه گزارشـگران دیگری بـه این واقعیت مهم پی برده و آن را تصـحیح کرده‌انـد. از دلایـل محکم در رد ازدواج‌هـای قبلی خدیجه گزارشـی هست که در بسـیاری از کتب تاریخ آمده و کسی نیست که آنرا نشنیده باشد. این مضمون که می گویند، خدیجه به دلیل شخصـیت ممتازش دارای خواسـتگارهای فراوان بود و بزرگان و اشـراف قریش خواهان ازدواج با وی بودنـد ولی او به تمام اشراف مدعی جواب رد داد و چون جواب مثبت به محمد داد، مورد اعتراض زنان قریش واقع شد که چرا به احدی از امیران جواب مثبت ندادی اما با یتیم ابوطالب (محمد) ازدواج کردی

گزارش مـذکور علاوه بر اینکه به روشـنی ازدواجهای قبلی وی را مردود اعلام می کنـد، حاکی از آن است که خدیجه همانطور که از القابش (طاهره و ام الایتام بر می‌آیـد، برای ازدواج ملاکهایی جز ملاکهای موجود در جامعه را مد نظر داشـته و ثروت و دارایی امیران و بزرگان قریش او را نفریفته بلکه پاکی او بدنبال پاکی بزرگتری بوده است (جذب پاکی بزرگتر شدن پاکان .

در مورد سن خدیجه

هم برخلاف آنچه بر افواه جـاری و ساری است و عـدد چهل قیـد شـده گفتنی است که به احتمال قریب به یقین این عـدد ناشـی از تخمین بعضـی سیره‌نویسان به‌دلیل فرض قبلی آنان در مورد دوبار ازدواج کردن خدیجه و فرزند داشتن وی بوده و اگر ازدواج‌های قبلی او را منتفی بدانیم موضوع سنش نیز خود به خود حل خواهد شد.

بنا به نقل جعفر مرتضـی عاملی درکتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم سن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر (ص متفاوت ذکر شده و مورخان مختلف آن را ۲۵ سال ۲۸ سال ۳۰ سال ۳۵ سال ۴۰ سال ۴۴ سال ۴۵ سال و ۴۶ سال اعلام کرده‌اند. در بحارالانوار (ج ۱۶ ص ۱۲) از قول ابن‌عباس سن وی هنگام ازدواج با پیامبر (ص ، ۲۲ سال ذکر شده است

جعفر مرتضی عاملی

عدد ۲۸ سـال را قول ترجیحی اکثریت دانسـته و بـاتوجه به رد ازدواج‌هـای قبلی وی قطعی است که سن او هنگـام وصـلت بـا پیـامبر گرامی (ص ، بایـد خیلی کمتر از آنچه شـهرت دارد، بوده باشـد. و اگرچه نمی‌توان به‌طور قطع سن خـدیجه طاهره را به‌دست آورد ولی به نظر می‌رسـد سن اعلام شـده در بحارالانـوار از قـول ابن‌عبـاس به صـحت نزدیـک‌تر است که در اینصورت بـا قول ترجیحی اکثریت (بنا به ادعای جعفر مرتضی عاملی خیلی تفاوت ندارد.

در هر صورت بعضـی از سن‌های ادعائی یاد شده (بویژه از ۳۵ تا ۴۶ سال نه باتحلیل صـحیح وقایع تاریخی سازگار است و نه باعلوم پزشـکی و تجارب انسان‌ها. زیرا کسانی که سن حضـرت خدیجه را هنگام ازدواج با پیامبر (ص حدود ۴۰ سال اظهار کرده‌اند همان کسـانی هسـتند که ولادت حضـرت زهرا (س را، ۵ سـال بعـد از بعثـت یعنی ۲۰ سـال بعـد از ازدواج رسـول اکرم (ص بـا خـدیجه می‌دانند.

بدین ترتیب سن خدیجه هنگام تولد حضرت فاطمه (س

باید حدود ۶۰ سال باشد که طبیعی است در این حدود سن (بین ۵۵ سال تا ۶۶ سال بارداری از نظر علمی و پزشکی و تجربه و واقعیت مردود است و اگر عوام‌الناس بگویند سن بارداری برای سادات ۱۰ سال بیش از حد معمول است باید گفت اگر چنین باشد، همین مطلب بزرگترین سند و معجزه برای حقانیت آئین اسلام در نزد جهانیان می‌توانست باشد که البته نه چنین مطلبی واقعیت دارد و نه نگارنده به دنبال چنین موهوماتی است

گذشته از آنکه اصولا خدیجه جزو سادات مرسوم به شمار نمی‌آیند، از سویی ممکن است عده‌ای استدلال کنند در قرآن مواردی از بارداری در سنین کهنسالی مطرح شده (همسر حضرت ابراهیم (ع و حضرت زکریا) و این امر در مورد حضرت خدیجه نیز می‌تواند از این نوع (معجزه الهی باشد. جواب این است که آیا اجازه داریم هرگاه از تحلیل و تحقیق کم می‌آوریم متمسک به استثنائاتی شویم که در قرآن و خود قرآن نیز غیرعادی و غیرطبیعی بودن آن را ذکر کرده است

ثانیا وقتی قرآن دو مورد مزبور را در مورد پیامبران پیشین ذکر کرده چطور ممکن است معجزه‌ای را که مربوط به آورنده قرآن است مسکوت گذاشته باشد.

از این نکته نیز اگر بگذریم نوبت به موضوع خواستگاری خدیجه از پیامبر می‌رسد بدون تردید خواستگاری یک زن بیوه چهل و چند ساله که دارای چند فرزند بوده و سابقه دوبار شوهر کردن را داشته از یک جوان نمونه قریش با حدود ۲۵ سال سن گستاخانه و خودخواهانه است و این امر با اخلاق قریش سازگاری نداشته است و اگر بپذیریم وی یک دوشیزه (عذراء) فداکار و پاکی بوده که سنی حدود سن پیامبر (ص را داشته لذا موضوع خواستگاری از این زاویه با صفات وی منتفی است و به خصوص که مراسم خواستگاری رسمی کسان پیامبر (ص (به‌ویژه حضرت ابوطالب از خدیجه و کسان وی در کتب معتبر تاریخی ذکر شده است هرچند که ممکن است بدلیل وجود صفات برجسته محمدبن عبدالله (ص ، پیام‌های اولیه از سوی خدیجه ارسال شده باشد، ولی طبیعی‌تر، همان خواستگاری معمول محمد (ص و کسان وی از خدیجه و بزرگ وی به‌دلیل وجود صفات نیکو در این زن آزاده‌ای بود که به پاکی و مهر و محبت شهرت داشته است

ظاهرا اصلی‌ترین امتیازی که برای حضرت خدیجه در امر پیشقدم شدن در ازدواج مطرح می‌کنند همانا مال و ثروت زیاد وی است که اگر چنین شخصیت ملکوتی و منحصر به‌فرد پیامبر به ازدواج با فردی که تنها امتیازش ثروت اوست راضی نمی‌شد. مگر در اصل ثروت فراوان و بسیار خدیجه تردید کنیم هرچند نظر قطعی نمی‌توان داد.

خدیجه در جامعه‌ای پا به عرضه وجود نهاد

که بسیاری از ارزش‌ها و اخلاقیات در آن کم‌رنگ شده بود و او در همان جامعه ملقب به صفت طاهره (پاک شد. او نهاد دقیق مهرورزی و محبت به کودکان بی‌سرپرست بود. و به دلیل همان صفات برجسته انسانی و بسیاری صفات نیکوی دیگر که متأسفانه خبری از آن‌ها نداریم با اشرف انسان‌های دوران آفرینش سرچشمه نیکی و پاکی محمد مصطفی (ص ، پیوند برقرار کرد و به همراه آن حضرت به ادامه سرپرستی از فرزندانی پرداخت که بعدها منتسب به پیامبر (ص و خدیجه شدند و حتی همسران آن دختران نیز، به لقب دامادهای پیامبر (ص مفتخر شده اند .

شاید بدلیل وجود همین فرزندان بوده که آن خانواده نورانی از داشتن فرزندان حقیقی به تعداد متعارف زمان حیاتشان منصرف شده‌اند. اگر چه گفته می‌شود خدیجه طاهره اولین کسی بود که به حضرت محمد (ص ایمان آورد و آغاز ایمان وی به رسول‌الله (ص به لحظه آغازین وحی و بعثت وی برمی گردد او از سالها قبل به پاکی محمد (ص و خداباوری وی ایمان آورده بود و بدیهی است اگر بعد از سفارت رسمی الهی خاتم‌الانبیاء (ص ، اولین گرونده رسمی باشد.

در روایات اسلامی که از طریق شیعه و اهل تسنن نقل شده و نیز در کلام بزرگان و اندیشمندان در شأن و مقام ارجمند ام المومنین

حضرت خدیجه کبری (س سخن فراوان با تعبیرات گوناگون به میان آمده است

به گفته صاحب مستدرک سفینه‌البحار

«فضائل حضرت خدیجه (س که در ابواب مختلف روایات آمده بیش از آن است که (قابل شمارش باشد».(۱)

حاصل توجه به این روایات پی‌بردن به راز عظمت او، و شناخت شایستگی‌های او است از رسول اکرم (ص نقل است که : «خیر نسائها خدیجه و خیر نسائها مریم ابنه عمران «بهترین زنان دنیا خدیجه (س و مریم دختر عمران هستند»(۲)

«خیرنساء العالمین مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد(ص »

بهترین زنان جهانیان عبارتند از: مریم دختر عمران آسیه دختر مزاحم خدیجه دختر خویلد و فاطمه (س دختر حضرت محمد(ص (۳)

ابن عباس می‌گوید: روزی رسول خدا (ص چهار خط کشید. آنگاه پرسید: آیا می‌دانید این خطها چیست گفتیم خدا و رسولش داناتر است فرمود: «خیر نساء الجنه مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد، و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون بهترین زنان بهشت مریم دختر عمران خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد (ص و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون است (۴)

پیامبر (ص به عایشه که در حال برتری جویی به فاطمه (ع بود فرمود: «او ما فاعلمت ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل‌ابراهیم و آل‌عمران و علیا و الحسن و الحسین و حمزه و جعفرا و فاطمه و خدیجه علی‌العالمین

آیا نمی‌دانی که خداوند، آدم نوح آل‌ابراهیم آل‌عمران علی (ع ، حسن (ع ، حسین (ع ، حمزه جعفر، فاطمه (ع و خدیجه (ع را بر جهانیان برگزید».(۵)

پیامبر (ص فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت ای رسول خدا! این خدیجه (ع است هرگاه نزد تو آمد، براو از سوی پروردگارش و از طرف من سلام برسان «و بشرها ببیت فی‌الجنه من قصب لاصخب و لانصب «و او را به خانه‌ای از یک قطعه (زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست مژده بده (۶)

«اربع نسوه سیدات سادات عالمهن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد، و افضلهن عالما فاطمه چهار زن سرور زنان جهان خود می‌باشند که عبارتند از: مریم دختر عمران آسیه دختر مزاحم خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (ص ، و بهترین آنها در جهان فاطمه (ع است (۷)

«حسبک من نساء العالمین مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد (ص و آسیه بنت مزاحم

درمیان بانوان دو جهان در فضیلت و کمال کافی است مریم خدیجه فاطمه و آسیه (علیهن السلام »(۸)

پیامبر اکرم (ص در تفسیر (آیه ۲۲ مطففین «عینا یشرب بها المقربون همان چشمه بهشتی که مقربان از آن می‌نوشند.» فرمود:

«المقربون السابقون رسول الله و علی‌بن ابیطالب و الائمه فاطمه و خدیجه (۹)

روزی پیامبر (ص به علی (ع فرمود: «تو همسری مانند فاطمه (س داری که من چنان همسری ندارم تو مادر زنی مثل خدیجه (س داری که من چنین مادرزنی ندارم »(۱۰)

روایت شده است

روزی جبرئیل به حضور پیامبر (ص آمد و جویای خدیجه (ع شد، پیامبر (ص او را نیافت جبرئیل گفت «وقتی که او آمد، به او خبر برده که پروردگارش به او سلام می‌رساند.»(۱۱)

پیامبر اکرم (ص در چهل شبانه‌روز اعتزال از خدیجه (ع توسط عمار یاسر به خدیجه چنین پیام داد: «ان الله عز وجل لیباهی بک کرام ملائکته کل یوم مرارا؛

همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می‌کند»(۱۲)

روزی رسول خدا (ص در مسجد در حضور مردم در شأن حسن و حسین (ع مطالبی فرمود، از جمله چنین گفت «ایها الناس الا اخبرکم بخیر الناس جدا و جده

ای مردم آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسانها ازجهت جد و جده »

حاضران عرض کردند: «آری خبر بده » فرمود:

«الحسن و الحسین جدهما رسول‌الله و جدتهما خدیجه بنت خویلد؛

آنها حسن و حسین (ع هستند که جدشان رسول خدا محمد (ص است و جده آنها خدیجه (ع دختر خویلد می‌باشد»(۱۳)

در آن هنگام که پیامبر (ص در بستر رحلت قرار گرفت حضرت زهرا(س بسیار پریشان و گریان بود، پیامبر (ص حضرت زهرا را به وجود پربرکت مولاعلی دلداری داد، و در فرازی ضمن یاد از خدیجه (ع فرمود: «دل خوش دار که ان علیا اول من آمن بالله عزوجل و رسوله من هذه الامه هو و خدیجه امک همانا علی (ع نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد، او و خدیجه (س مادر تو اولین افرادی هستند که به اسلام پیوستند.»(۱۴)

پیامبر اکرم بعد از وفات خدیجه کبری (ع همواره از خاطرات شیرین و ایثار آن بانوی گرامی به نیکی یاد می‌کرد و هرگاه به یاد او می‌افتاد، اشک فراق بر دیدگانش جاری می‌شد از جمله

روزی پیامبر (ص در نزد چند از نفر از همسران خود بود، ناگاه سخنی از حضرت خدیجه (ع به میان آمد، پیامبر (ص آن چنان آشفته و پراحساس شد که قطره‌های اشک ازچشمانش سرازیر گشت

عایشه به آن حضرت گفت «چرا گریه می‌کنی آیا برای یک پیرزن گندمگون از فرزندان اسد، باید گریه کرد؟»

پیامبر در پاسخ به او فرمود: «صدقتنی اذ کذبتم و آمنت بی اذکفرتم و ولدت لی اذ عقمتم

او هنگامیکه شما مرا تکذیب می‌کردید، تصدیق کرد و هنگامیکه کافر

بودید، او به من ایمان آورد؛ و برای من فرزندانی آورد در حالی که شما نازا هستید.»(۱۵)

نیز روایت شده

روزی پیرزنی نزد رسول اکرم (ص آمد، آن حضرت او را مورد لطف سرشار قرار داد، وقتی آن پیرزن رفت عایشه علت آن همه مهربانی به پیرزن را از پیامبر (ص پرسید، او در جواب فرمود:

«انهاکانت تاتینا فی زمن خدیجه و ان حسن العهد من الایمان

این پیرزن در عصر زندگی خدیجه ع ، به خانه ما می‌آمد و از کمک‌ها و الطاف سرشار خدیجه ع برخوردار بود، همانا نیک نگهداری عهد و سابقه از ایمان است »(۱۶)

و مطابق روایت دیگر عایشه گفت «هرگاه پیامبر (ص گوسفندی ذبح می‌کرد، می‌فرمود: از گوشتش برای دوستان خدیجه (ع بفرستید، یک روز در این باره با آن حضرت سخن گفتم فرمود:

«انی لاحب حبیبها: من دوست خدیجه (ع را دوست دارم »(۱۷)

یاد خدیجه در خواستگاری حضرت زهر

در جریان مراسم خواستگاری مولا علی (ع از حضرت زهرا پس از آن که‌ام سلمه به همراه امایمن کنیز آزاد شده و برخی دیگر از همسران پیامبر نزد وی رفتند تا او را در جریان درخواست امام علی (ع برای همسری با فاطمه الزهرا(س قرار بدهند، در بخشی از گفتار خود به حضرت خدیجه اشاره نمودند و آرزو کردند ای کاش آن مادر یگانه در این مراسم حضور می‌یافت و می‌توانست در مراسم ازدواج جگرگوشه‌اش حاضر باشد.

تا سخن به نام خدیجه رسید ناگهان پیامبر اکرم (ص به صدای بلند شروع به گریستن نمود؛ سپس فرمودند: «خدیجه و این مثل خدیجه صدقتانی حین کذبنی الناس و وازرتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها، ان الله عزوجل امر فی ان ابشر خدیجه ببیت فی‌الجنه من قصب لا صخب فیه و لانصب

خدیجه کجاست همانند خدیجه در آن هنگام که مردم مرا تکذیب می‌کردند، او مرا تصدیق کرد، و او برای دین خدا با من همکاری و همیاری نمود، و با ثروت خود مرا برای پیشبرد دین کمک کرد، خداوند متعال به من فرمان داده است که خدیجه (ع را به داشتن خانه‌ای از یک گوهر در بهشت که رنج و ناآرامی در آن نیست مژده بدهم »

خدیجه در احادیث معراج نبی

ابوسعید خدری می‌گوید: رسول خدا (ص فرمود: وقتی که در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمانها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم «آیا حاجتی داری »

جبرئیل گفت «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه ع برسانی

پیامبر (ص وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه ع ابلاغ کرد، خدیجه گفت «ان‌الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام و علی جبرئیل السلام همانا ذات پاک خدا سلام است و از او است سلام و سلام به سوی او باز گردد و بر جبرئیل سلام باد.»(۱۸)

گفتار انبیای الهی ائمه و اصحاب صدر اسلام

ابن‌سعد مورخ عرب از قول آدم (ع چنین می‌گوید:

«آدم در بهشت به حوا گفت یکی از مزایایی که خدا نصیب رسول‌الله کرد این بود که جفتی چون خدیجه نصیب او نمود و خدیجه پیوسته برای انجام رسانیدن مشیت خداوند به محمد کمک می‌کرد در صورتی که حوا سبب گردید که من در بهشت بر خلاف اراده خداوند رفتار نمایم »(۱۹)

امام حسین (ع در روز عاشورا در ضمن خطبه‌ای که خود را به دشمن معرفی می‌کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می‌دانید که جده من خدیجه ع دختر خویلد است »(۲۰)

و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می‌دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه (ع هستم »(۲۱)

امام سجاد (ع در مجلس شاهانه یزید در دمشق در خطبه معروف خود، این چنین خود را معرفی می‌کند: «انا بن خدیجه الکبری من پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم »(۲۲)

حضرت زینب (س در کربلا- در روز یازدهم محرم سال ۶۱ هـ ق هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمد، و مطالبی جانسوز گفت از جمله در آنجا پس از ذکر پیامبر (ص و علی (ع از خدیجه یاد کرد و فرمود: «بابی خدیجه الکبری پدرم به فدای خدیجه بانوی بزرگ باد.»(۲۳)

زیدبن علی (ع که انقلاب و شورش عظیمی بر ضد حکومت طاغوتی هشام‌بن عبدالملک نمود و سرانجام به شهادت رسید، در سخنی در برابر دشمن چنین احتجاج می‌کند:

«و نحن احق بالموده ابونا رسول‌الله وجدتنا خدیجه ..؛

و ما سزاوارتر به مودت و دوستی هستیم چرا که پدر ما رسول خدا (ص وجده ما خدیجه (ع است »(۲۴)

عبدالله ابن‌زبیر با آن که با خاندان رسالت دشمنی کرد در گفتگویی باابن‌عباس به خدیجه ع به عنوان عمه‌اش افتخار نموده و می‌گوید:

«الست تعلم ان عمتی خدیجه سیده نساء العالمین آیا نمی‌دانی که عمه‌ام خدیجه (ع سرور بانوان جهان است »(۲۵)

«در عصر امامت امام حسن (ع پس از آنکه معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند، و از مردم برای خود بیعت گرفت پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند و در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمومنان علی (ع جسارت کرد و ناسزا گفت با این که امام حسن (ع و امام حسین (ع در مجلس حاضر بودند، حسین (ع برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن (ع دست او راگرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود: «ای آنکه علی (ع را به بدی یاد کردی منم حسن و پدرم علی (ع است و تویی معاویه و پدرت ضحر می‌باشد، مادر من فاطمه علیها سلام الله و مادر تو هند جگرخوار است جد من رسول خدا (ص است جد تو حرب است «و جد تی‌خدیجه و جدتک فتیله ..؛

جده من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام ولی جده تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت است خداوند لعنت کند از ما آنکس که نامش پلید و حسب و نسبتش پست و سابقه‌اش بد، و دارای کفر و نفاق است »(۲۶)

در حدیث موثقی از حضرت زهرا (س منقول است که چون خدیجه از دنیا رفت فاطمه علیهاالسلام بر گرد پدر بزرگوار خود می‌گردید و می‌گفت «ای پدر! مادر من کجاست پس جبرئیل نازل شد و گفت پروردگارت تو را امر می‌کند که فاطمه را سلام برسانی و بگویی که مادر تو در خانه‌ای است ازنی که کعب آنها از طلا است و به جای پی عمودها از یاقوت سرخ می‌باشد و خانه او در میان خانه آسیه و مریم دختر عمران است چون حضرت رسول (ص پیغام حق تعالی را به فاطمه (س رسانید. فاطمه (س گفت خدا است سالم از نقصها و از اوست سلامتی‌ها و به سوی او برمی‌گردد تحیتها»(۲۷)

خدیجه (ع در ادعیه زیارتنامه‌ها، و واژگان مقدس

کتاب مقدس تورات حضرت خدیجه (س را به نهر آبی تشبیه نموده است که آب آن آب حیات است و در دوطرف کنار آن آب درخت حیات وجود دارد، آن درخت دارای دوازده نوع میوه است و برگ‌های آن درخت موجب شفای امت‌ها است (۲۸)

در یکی از زیارتنامه‌های رسول خدا (ص چنین آمده است

«السلام علی ازواجک الطاهرات الخیرات امهات المومنین خصوصا الصدیقه الطاهره الزکیه الراضیه المرضیه خدیجه الکبری ام المومنین

سلام بر همسران پاک و نیک تو، مادران مومنان به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه خشنود و پسندیده خدیجه بانوی بزرگ مادر مومنان »(۲۹)

در یکی از زیارتنامه‌های دیگر از خدیجه (ع چنین تعبیر شده «السلام علی خدیجه سیده نساء العالمین سلام بر خدیجه (ع سرور زنان جهانیان »(۳۰)

حضرت خدیجه (ع ارتباط عمیق و بسیار بالایی با درگاه خداوند داشت از این رو دارای قوت قلب محکم واستوار بود. آن بانوی بزرگوار اسلام برای خود دارای حرز (کلمات پرمحتوای پناهندگی به خدا) بود و در پرتو آن همواره رابطه خود را با خدا برقرار می‌ساخت

سیدبن طاووس در کتاب مهج‌الدعوات دو حرز را نقل کرده که این چنین است

۱ـ «بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم برحمتک استغیث فاغثنی ، ولا تهلکن الی نفسی طرفه عین ابدا، و اصلح لی‌شائب کله

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار! به رحمتت پناهنده شدم به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، همه حال و زندگی مرا سامان بخش »

۲ـ «بسم‌الله الرحمن الرحیم یا الله یا حافظ یا حفیظ یا رقیب

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدا، ای نگهبان ای نگهدارنده و ای مراقب و پاسدار.»

خدیجه در کلام اندیشمندان و بزرگان معاصر

دانشمند عرب (سنیه قراعد): تاریخ در مقابل عظمت ام‌المومنین خدیجه ع سر فرود می‌آورد، و در برابرش متواضعانه دست بسته می‌ایستد، نمی‌داند نام این بانو را در کدام شناسنامه بزرگان ثبت نماید.»(۳۹)

سلیمان کتانی نویسنده عرب خدیجه ثروتش را به محمد بخشید. ولی این احساس را نداشت که می‌بخشد، بلکه این احساس را داشت که از او هدایت را که بر همه گنج‌های سراسر جهان برتری دارد، کسب می‌نماید، او احساس می‌کرد محبت و دوستی را به حضرت محمد (ص اهدا می‌کند، ولی در عوض همه ابعاد سعادت را از او کسب می‌کند.»(۳۲)

عالم بزرگ شیخ حرعاملی متوفی به (۱۱۴۰ هـق صاحب کتاب وسایل الشیعه شعری در وصف او سورده است

زوجته خدیجه و فضله

ابان عند قولها و فعله

بنت خویلد الفتی المکرم

الماجد الموید المعظم

لها من الجنه بیت من قصب

لاصخب فیه ولالها نصب

و هذه موره لفظ الخبر

عن‌النبی المصطفی المطهر

«همسر پیامبر خدیجه که فضل و برتری او از گفتار و رفتارش آشکار است دختر خویلد آن جوانمرد بزرگوار، و ارجمند تایید شده و بلند مقام برای خدیجه و در بهشت خانه‌ای از یک قطعه گوهر بلورین آماده شده است که در ناآرامی و رنج نیست

این موضوع عین سخن پیامبر برگزیده پاک خدا است که خدیجه در بهشت دارای چنین خانه‌ای می‌باشد».

بنت الشاملی نویسنده عرب آیا دیگری غیر از خدیجه را می‌شناسید که با عشقی آتشین و مهر و ایمانی استوار بی‌آن که اندک تردیدی به دل راه دهد یا ذره‌ای از باورش به بزرگداشت همیشگی خدا و پیغمبر بکاهد، دعوت دین را از غار حرا پذیرا شود».(۳۳)

منابع

۱ـ خدیجه اسطوره مقاومت و ایثار، صفحه ۱۸۶، اشتهاردی محمدمهدی

۲ـ صحیح بخاری ج ۴، ص ۱۶۴.

۳ـ الاستیعاب ج ۲، ص ۷۲۰.

۴ـ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲، ج ۱۶، ص ۲.

۵ـ خدیجه اسطوره مقاومت و ایثار، ص ۱۸۷، نقل از بحار ج ۳۷، ص ۶۳.

۶ـ اسدالغابه ج ۵، ص ۴۳۸.

۷ـ ذخائر العقبی ص ۴۴.

۸ـ کشف الغمه ج ۲، ص ۷۱.

۹ـ جمع‌البیان ج ۱۰، ص ۳۲۰.

۱۰ـ بحار، ج ۴۰، ص ۶۸ به نقل از خدیجه اسطوره مقاومت و ایثار ص ۱۹۰.

۱۱ـ همان ج ۱۶، ص ۸.

۱۲ـ کشف‌الغمه ج ۲، ص ۷۲.
۱۳ـ بحار، ج ۴۳، ص ۳۰۲، به نقل از خدیجه اسطوره مقاومت و ایثار، ص ۱۹۸.
۱۴ـ بحار، ج ۲۲، ص ۵۰۲.
۱۵ـ همان ج ۱۶، ص ۸.
۱۶ـ خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت ص ۲۰۷.
۱۷ـ ریاحین الشریعه ج ۲، ص ۲۰۶.
۱۸ـ کشف‌الغمه ج ۲، ص ۱۳۳.
۱۹ـ محمد پیغمبری که از او باید شناخت کنستان ویرژیل گئورگیو، ترجمه ذبیح‌الله منصوری ص ۵۰.
۲۰ـ بحار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.
۲۱ـ همان ج ۴۵، ص ۶.
۲۲ـ همان ج ۴۴، ص ۱۷۴.
۲۳ـ همان ج ۴۵، ص ۵۹.
۲۴ـ خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت ص ۲۰۰.
۲۵ـ شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۹، ص ۳۲۵.
۲۶ـ خدیجه (ع اسطوره مقاومت و ایثار، ص ۲۰۱.
۲۷ـ حیوه‌القلوب علامه محمدباقر مجلسی ج ۳، ص ۲۱۸.
۲۸ـ کتاب مقدس عهد جدید، مکاشفه یوحنا، باب ۲۲.
۲۹ـ بحار ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.
۳۰ـ همان ج ۱۰۲، ص ۲۷۲.
۳۱ـ نساء محمد (ص ، ص ۳۸.
۳۲ـ خدیجه (ع ، علی محمد دخیل ص ۳۲.
۳۳ـ حیاه‌الائمه هاشم معروف الحسنی ص ۶۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

